

مفاهيم

سوره مبارکه فتح



شيخ اميد حسين بور

مدیر مؤسسه فرهنگی قرآنی
نور النبى حضرت زهرا سلام الله علیها

آیات ۱ الی ۳

این سوره چه زمانی نازل شده است؟

در حدیثی از انس آمده است که می‌گوید:

هنگامی که ما از (حدیبه) باز می‌گشتیم در حالی که مشرکان مانع ورود ما در مکه و انجام مراسم عمره شده بودند، سخت غرق اندوه و غم بودیم، ناگهان خداوند آیه (إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا) را نازل فرمود.

پیغمبر ﷺ فرمود:

لَقَدْ أَنْزَلْتُ عَلَى آيَةٍ هِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا كُلِّهَا

آیه‌ای بر من نازل شده که از تمام دنیا نزد من محبوبتر است.

واقعه صلح حدیبیه در سال ششم هجری اتفاق افتاده است.

فضیلت تلاوت این سوره

الإمام الصادق عليه السلام:

حَصَّنُوا أَمْوَالَهُمْ وَنَسَاءَهُمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ مِنَ التَّلْفِ بِقِرَاءَةِ «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ» فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ مِمَّنْ يُدْمِنُ قِرَاءَةَ تَهَانَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تَسْمَعَ الْخَلَائِقُ: أَنْتَ مِنْ عِبَادِي الْمُخْلِصِينَ، أَلْحِقُوهُ بِالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِي، وَأَدْخِلُوهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَاسْقُوهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ بِمِزَاجِ الْكَافُورِ.

اموال و همسران و آنچه را در ملک شما است با قرائت (انا فتحنا لك) از تلف حفظ کنید. کسی که پیوسته آن را تلاوت کند روز قیامت منادی صدا می زند آن چنان که همه خلائق می شنوند: تو از بندگان مخلص منی، او را به بندگان صالحم ملحق سازید، و در باغهای پر نعمت بهشت او را وارد کنید، و از نوشابه مخصوص بهشتیان سیرابش نمایید

صلح حدیبیه و بیعت رضوان

در سال ششم هجرت ماه ذی القعدة پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به قصد عمره به سوی مکه حرکت کرده و همه مسلمانان را تشویق به شرکت در این سفر نمود، اما گروهی خودداری کردند، ولی جمع کثیری از مهاجران و انصار و اعراب بادیه‌نشین در خدمتش عازم مکه شدند. این جمعیت که در حدود ۱۴۰۰ نفر بودند همگی لباس احرام بر تن داشتند و جز شمشیر که اسلحه مسافران محسوب می‌شد هیچ سلاح جنگی با خود بر نداشتند.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیکی مکه رسید با خبر شد که قریش تصمیم گرفته‌اند از ورود او به مکه جلوگیری نمایند، تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله به حدیبیه رسید (روستایی در فاصله ۲۰ کیلومتری مکه) حضرت فرمود همین جا توقف کنید، عرض کردند در اینجا آبی وجود ندارد، پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق اعجاز از چاهی خشکی که در آنجا بود آب برای یارانش فراهم ساخت. در اینجا سفرایی میان قریش و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفت و آمد کردند تا مشکل به نحوی حل شود، سرانجام **عروة ابن مسعود ثقفی** که مرد هوشیاری بود از سوی قریش خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **من به قصد جنگ نیامده‌ام و تنها هدفم زیارت خانه خدا است، ضمناً عروه** در این ملاقات منظره وضوء گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله را که اصحاب اجازه نمی‌دادند قطره‌ای از آب وضوی او به روی زمین بیفتد مشاهده کرد

و هنگام بازگشت به قریش گفت: من به دربارِ کسری و قیصر و نجاشی رفته‌ام، هرگز زمامداری را در میان قومش به عظمت محمد ﷺ در میان یارانش ندیدم، و اگر تصور کنید که آنها دست از محمد ﷺ بردارند اشتباه بزرگی است، شما با چنین افراد ایثارگری روبرو هستید، تصمیمتان را بگیرید.

در این میان پیامبر اکرم ﷺ به **عمر** پیشنهاد فرمود که به مکه رود و اشراف قریش را از هدف این سفر آگاه سازد، عمر گفت قریش با من عداوت شدیدی دارند، و من از آنها بیمناکم، بهتر این است که **عثمان** به این کار مبادرت ورزد، **عثمان** به سوی مکه آمد و چیزی نگذشت که در میان مسلمانان شایع شد او را کشته‌اند، در اینجا پیامبر ﷺ تصمیم به شدت عمل گرفت، و در زیر درختی که در آنجا بود با یارانش تجدید بیعت کرد که به نام **بیعت رضوان** معروف شد، و با آنان عهد بست که تا آخرین نفس مقاومت کنند، ولی چیزی نگذشت که **عثمان** سالم بازگشت و به دنبال او قریش **سهیل ابن عمرو** را برای مصالحه خدمت پیامبر ﷺ فرستادند، و او تاکید کردند که **امسال به هیچ وجه ورود او به مکه ممکن نیست.**

بعد از گفتگوهای زیاد، پیمان صلحی منعقد شد که یکی از موادش همین بود که مسلمانان آن سال را از عمره چشم‌پوشند و سال آینده به مکه بیایند مشروط بر اینکه بیش از سه روز نمانند و سلاحی جز سلاح مسافر با خود نیاورند، و مواد متعدد دیگری دائر بر امنیت جانی و مالی مسلمانان که از مدینه وارد مکه می‌شوند و همچنین ۱۰ سال متارکه جنگ میان مسلمین و مشرکین و آزادی مسلمانان مکه در انجام فرائض مذهبی در آن گنجانیده شد.

این پیمان در حقیقت یک پیمان عدم تعرض همه جانبه بود که به جنگ های مداوم و مکرر بین مسلمانان و مشرکان موقتا پایان می داد.

متن پیمان صلح از این قرار بود که پیامبر ﷺ به **علی علیه السلام** دستور داد بنویس:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) سهیل بن عمرو که نماینده مشرکان بود گفت: من با چنین جمله ای آشنا نیستم، بنویس **بِسْمِكَ اللَّهُم!** پیامبر ﷺ فرمود بنویس: **بِسْمِكَ اللَّهُم.**

سپس فرمود: بنویس این چیزی است که محمد رسول الله ﷺ با سهیل بن عمرو مصالحه کرده، سهیل گفت: ما اگر تو را رسول الله می دانستیم با تو جنگ نمی کردیم، تنها اسم خودت، و اسم پدرت را بنویس، پیغمبر ﷺ فرمود مانعی ندارد، بنویس: این چیزی است که **محمد بن عبد الله** با **سهیل بن عمرو** صلح کرده که ده سال متارکه جنگ شود تا مردم امنیت خود را بازیابند.

علاوه بر این هر کس از قریش بدون اجازه ولیش نزد محمد بیاید (و مسلمان شود) او را بازگردانند، و هر کس از آنها که با محمد هستند نزد قریش بازگردد، بازگرداندن او لازم نیست!

همه آزادند هر کس می خواهد در پیمان محمد وارد شود و هر کس می خواهد در پیمان قریش.

طرفین متعهدند که نسبت به یکدیگر خیانت نکنند (و جان و مال یکدیگر را محترم بشمارند).

از این گذشته محمد امسال باز می‌گردد و وارد مکه نمی‌شود، اما سال آینده ما به مدت سه روز از مکه بیرون می‌رویم و یارانش بیایند اما بیش از سه روز توقف نکنند (و مراسم عمره را انجام دهند و بازگردند) به شرط اینکه جز اسلحه مسافر یعنی شمشیر، آن هم در غلاف سلاح دیگری به همراه نداشته باشند.

بر این پیمان صلح گروهی از مسلمانان و مشرکان گواهی داده، و کاتب عهدنامه علی بن ابی طالب بود.

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار بعضی موارد دیگر نیز نقل کرده از جمله این که:

اسلام در مکه باید آشکار باشد، و کسی را مجبور در انتخاب مذهب نکنند و آذیت و آزاری به مسلمانان نرسانند.

این مضمون در تعبیر سابق نیز اجمالاً وجود داشت.

در اینجا پیامبر ﷺ دستور داد شترهای قربانی را که به همراه آورده بودند در همانجا قربانی کنند، سرهای خود را بتراشند و از احرام به در آیند.

اما این امر برای جمعی از مسلمانان سخت ناگوار بود، چرا که بیرون آمدن از احرام بدون انجام مناسک عمره در نظر آنها امکان پذیر

نبود، ولی پیغمبر ﷺ شخصا پیشگام شد، و شتران قربانی را نحر فرمود، و از احرام بیرون آمد، و به مسلمانان تفهیم نمود که این

استثنایی است در قانون احرام و قربانی که از سوی خداوند قرار داده شده است.

مسلمین هنگامی که چنین دیدند تسلیم شدند و دستور پیامبر ﷺ دقیقاً اجرا شد و از همانجا به سمت مدینه بازگشتند، اما کوهی از غم و اندوه بر قلب آنها سنگینی می نمود، چرا که ظاهر قضیه مجموع این مسافرت یک ناکامی و شکست بود ولی خبر نداشتند که در پشت داستان صلح حدیبیه چه پیروزی هایی برای مسلمانان و آینده اسلام نهفته است، و در همین هنگام بود که **سوره فتح نازل شد** و بشارت فتح عظیمی را به پیامبر گرامی اسلام داد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ

وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا ﴿٣﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾ لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ

همانا ما پیروزی بخشیدیم برای تو پیروزی آشکار ﴿١﴾ برای اینکه ببخشد برای تو خداوند آنچه که گذشت

مِن ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ وَعَلَيْكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾

از (نسبت) گناه (به) تو و آنچه که در آینده است و تمام کند نعمتش را بر تو و هدایت کند تو را به راهی راست ﴿٢﴾

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا ﴿٣﴾

و یاری دهد تو را خداوند یاری بی شکست ﴿٣﴾

دستاوردهای صلح حدیبیه چه بود؟

به طور خلاصه مسلمانان از این صلح چند امتیاز و پیروزی مهم به شرح زیر به دست آوردند:

۱. عملاً به فریب‌خوردگان مکه نشان دادند که آنها قصد کشتار ندارند و برای شهر مقدس مکه و خانه خدا احترام فراوان قائلند، همین امر سبب جلب قلوب جمع کثیری به سوی اسلام شد.
۲. قریش برای اولین بار اسلام و مسلمین را به رسمیت شناختند مطلبی که دلیل بر تثبیت موقعیت آنها در جزیره عربستان بود.
۳. بعد از صلح حدیبیه مسلمانان به راحتی می‌توانستند همه جا رفت و آمد کنند، و جان و مالشان محفوظ بماند، و عملاً با مشرکان از نزدیک تماس پیدا کردند، تماسی که نتیجه‌اش شناخت بیشتر اسلام از سوی مشرکان و جلب توجه آنها به اسلام بود.
۴. بعد از صلح حدیبیه راه برای نشر اسلام در سراسر جزیره عرب گشوده شده، و آوازه صلح‌طلبی پیامبر ﷺ اقوام مختلفی را که برداشت غلطی از اسلام و شخص پیامبر ﷺ داشتند به تجدید نظر وادار کرد، و امکانات وسیعی از نظر تبلیغاتی به دست مسلمانان افتاد.

۵. صلح حدیبیه راه را برای گشودن خیبر و بر چیدن این غده سرطانی یهود که بالفعل و بالقوه خطر مهمی برای اسلام و مسلمین محسوب می‌شد هموار ساخت.

۶. اصولاً وحشت قریش از درگیری با سپاه ۱۴۰۰ نفری پیامبر ﷺ که هیچ سلاح مهم جنگی با خود نداشتند و پذیرفتن شرائط صلح خود عامل مهمی برای تقویت روحیه طرفداران اسلام و شکست مخالفان بود که تا این اندازه از مسلمانان حساب بردند.

۷. بعد از ماجرای حدیبیه پیامبر ﷺ نامه‌های متعددی به سران کشورهای بزرگ ایران و روم و حبشه، و پادشاهان بزرگ جهان نوشت، و آنها را به سوی اسلام دعوت کرد، و این به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد صلح حدیبیه روحیه مسلمین را تقویت کرد که نه تنها در جزیره عرب که در دنیای بزرگ آن روز راه خود را به پیش می‌گشودند.

منظور از پاک کردن گناه گذشته و آینده پیامبر ﷺ چیست؟

با دقت در حوادث و رویدادهای تاریخی به این نتیجه می‌رسیم: هنگامی که مکتبی راستین ظاهر می‌شود و قد علم می‌کند، وفاداران به سنن خرافی که موجودیت خود را در خطر می‌بینند هر گونه تهمت و نسبت ناروا به آن می‌بندند، شایعه‌ها می‌سازند، و دروغها می‌پردازند، گناهان مختلف برای او می‌شمرند.

در مورد پیامبر اسلام ﷺ هم این نسبتهای ناروا و گناهان پنداری بسیار فراوان بود، او را

جنگ طلب، آتش‌افروز، بی‌اعتنا به سنتهای راستین، غیر قابل تفاهم، و مانند آن می‌شمردند.

صلح حدیبیه به خوبی نشان داد که آئین او بر خلاف آنچه دشمنان می‌پندارند یک آئین پیشرو و الهی است، و آیات قرآنش ضامن تربیت نفوس انسانها و پایانگر ظلم و ستم و جنگ و خونریزی است.

به این ترتیب فتح حدیبیه تمام گناهانی که قبل از هجرت، و بعد از هجرت، یا تمام **گناهانی** که قبل از این ماجرا و حتی در آینده ممکن بود به او **نسبت دهند** همه را شست، و چون خداوند این پیروزی را نصیب پیامبر ﷺ نمود می‌توان گفت خداوند همه آنها را شستشو کرد.

در حدیثی از امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام آمده است که مأمون هنگامی که از این آیه سؤال کرد امام در پاسخ فرمود:

هیچ کس نزد مشرکان مکه گناهِش سنگینتر از رسول الله ﷺ نبود، زیرا آنها ۳۳۰ بت می پرستیدند، هنگامی که پیامبر ﷺ آنها را به توحید دعوت کرد بسیار بر آنها گران آمد و گفتند: آیا او همه خدایان ما را تبدیل به یک خدا کرده؟ چیز عجیبی است ... ما هرگز چنین چیزی را از پدران خود نشنیده‌ایم این فقط یک دروغ بزرگ است.

اما هنگامی که خداوند مکه را برای پیامبرش (بعد از صلح حدیبیه) گشود خداوند فرمود: ما فتح مبینی را برای تو فراهم کردیم تا گناهان گذشته و آینده‌ای که نزد مشرکان عرب بخاطر دعوت به توحید داشته و داری ببخشد، ... و لذا گناه پیامبر در نظر آنها نیز بخاطر پیروزی بخشوده شد.

هنگامی که مأمون این سخن را شنید عرض کرد: **بارک الله ای ابو الحسن.**

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۴

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ

وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ^ج وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

اوست کسی که نازل کرد آرامش را در دل های مؤمنین

لِيَزِدَّادُوا لِيَمَنَّا مَعَ إِيْمَانِهِمْ

تا بيفزايند ايمانی بر ايمانشان

وَلِلَّهِ جُنُودٌ وَسَمَوَاتٍ وَأَلْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

و برای خداست لشکریان آسمان ها و زمین و می باشد خداوند دانای حکیم

این آرامش چه آرامشی بود؟

باز لازم است در اینجا به داستان صلح حدیبیه برگردیم و خود را در فضای آن تصور کنیم، تا به عمق مفهوم آیه آشنا گردیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوابی دیده بود؛ که با یارانش وارد مسجد الحرام می‌شوند، و به دنبال آن خواب و رویای صادقه به عزم زیارت خانه خدا حرکت کرد، غالب اصحاب فکر می‌کردند تعبیر آن در همین سفر واقع می‌شود، در حالی که مقدر چیز دیگری بود. از سوی دیگر مسلمانان محرم شده بودند و حیوانات قربانی با خود آورده بودند، اما بر خلاف انتظارشان توفیق زیارت خانه خدا نصیب آنها نشد و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد در همان حدیبیه شتران قربانی را نحر کنند، و از احرام بیرون آیند، کاری که برای آنها بسیار سخت و باورناکردنی بود، چرا که آداب و سنن آنها و نیز دستورات اسلام ایجاب می‌کرد تا مناسک عمره را انجام ندهند از احرام بیرون نیایند.

همچنین در مواد صلحنامه حدیبیه مطالبی که پذیرش آن بسیار سنگین می‌نمود، از جمله اینکه اگر کسی از قریش مسلمان شود و به مدینه پناه آورد مسلمانان او را به خانواده‌اش تحویل دهند، اما عکس آن لازم نیست! از سوی چهارم به هنگام تنظیم صلحنامه قریش حاضر نشدند کلمه (رسول الله) کنار نام محمد صلی الله علیه و آله باشد، و سهیل، نماینده قریش با اصرار، آن را حذف کرد، و حتی با نوشتن (بسم الله الرحمن الرحیم) نیز موافقت نکرد، و اصرار داشت به جای آن (بسمک اللهم) نوشته شود که با سنت اهل مکه سازگار بود

واضح است این امور هر کدام به تنهایی مطلب ناگواری بود تا چه رسد به مجموع آنها، و به همین جهت تزلزلی در قلوب افراد ضعیف الایمان افتاد، حتی وقتی سوره فتح نازل شد بعضی با تعجب پرسیدند: چه فتحی؟! اینجا است که باید لطف الهی شامل حال مسلمانان شود و سکینه و آرامش را به دل‌های آنها باز گرداند، نه تنها ضعف در آنان راه نیابد، بلکه به مصداق (لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ) بر قدرت ایمان آنها افزوده شود، آیه فوق در چنین شرایطی نازل گردید.



هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾

در تقابل با دشمن به دو چیز باور داشته باشیم

(وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ)

اگر با خدا باشی، تمام قوای زمین و آسمان با تو است،
باد، باران، شن های بیابان، جاذبه زمین و....

(وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا)

خدا هم نیازها و مشکلات و گرفتاریهای تو را می داند
و هم از تلاشها و کوششها و اطاعت و بندگی تو با خبر است
هم سنجیده عمل می کند

اگر در نظام محاسباتی مان، بر این مسائل باور داشته باشیم، آرام می شویم....

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیات ۵ و ۶

نتیجه دیگر فتح المبین (صلح حدیبیه)

هنگامی که بشارت فتح مبین و اتمام نعمت و هدایت و نصرت به پیغمبر اسلام ﷺ در آیات نخستین این سوره داده شد، بعضی از مسلمانان که از حوادث حدیبیه دلتنگ و نگران بودند عرض کردند:

هنيئًا لك يا رسول الله! لقد بين الله لك ماذا يفعل بك، فماذا يفعل بنا؟ فنزلت: "لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ..."

گوارا باد بر تو این همه مواهب الهی ای رسول خدا! خداوند آنچه را به تو داده و می‌دهد بیان کرده، بما چه خواهد داد؟ در اینجا نخستین آیه مورد بحث نازل شد و به مؤمنان بشارت داد که برای آنها نیز پادشاهی بزرگی فراهم شده.

به هر حال، این آیات هم چنان در ارتباط با صلح حدیبیه و بازتابهای مختلف آن در افکار مردم، و نتایج پربار آن سخن می‌گویند، و **سرنوشت هر گروه** را در این بوته آزمایش بزرگ مشخص می‌سازد.

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ

عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٦﴾ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ

وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةٌ

السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

برای اینکه داخل کند مردان مؤمن و زنان مؤمنه را در باغ هایی که جاری است از زیر آن رودهایی در حالی که جاودانه اند

فِيهَا وَيُكْفَرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٦﴾ وَيُعَذِّبُ

در آن و بپوشاند از آنها بدی هایشان را و می باشد این نزد خدا پیروزی بزرگ ﴿٦﴾ (و براینکه) عذاب کند

الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظُرِبَ السَّوْءِ عَلَيْهِمُ

مردان منافق و زنان منافقه و مردان مشرک و زنان مشرکه را همان گمان برندگان به خدا گمان بد بر آنهاست

دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾

حوادث بد و غضب کرد خداوند بر آنها و دور از رحمت کرد و آماده کرد بر آنها جهنم و چه بد سرنوشتی است ﴿٦﴾ آنها را

منافقین و مشرکین درباره خدا چه گمان بدی داشتند؟

منافقان به هنگام حرکت پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان از مدینه گمان داشتند که این گروه هرگز سالم به مدینه باز نخواهند گشت، چنان که در آیه ۱۲ همین سوره می‌خوانیم:

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا

و مشرکان نیز گمان داشتند که محمد اکرم ﷺ با این جمع کم، و نداشتن اسلحه کافی، سالم به مدینه باز نخواهد گشت، و ستاره اسلام به زودی افول می‌کند.

با توجه بر این که در صحنه حدیبیه غالباً مردان مسلمان بودند، و در نقطه مقابل نیز مردان منافق و مشرک، چرا در این آیات، زنان و مردان را در آن فوز عظیم، و این عذاب الیم، مشترک شمرده؟

این بخاطر آن است که مردان با ایمان که در میدان نبرد حاضر می شوند بدون پشتیبانی زنان با ایمان، و مردان منافق بدون همکاری زنان منافق، به اهداف خود نائل نمی شوند.

مفہم

سورہ مبارکہ فتح

آیہ ۷

وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾

وَلِلَّهِ جُنُودٌ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾

و برای خداست لشکریان آسمان ها و زمین و می باشد خداوند شکست ناپذیر حکیم ﴿٧﴾

این آیه چرا تکرار شده است؟

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ ۚ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾ لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ
وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ ۚ بِاللَّهِ ظَنَنْتَ السُّوءَ عَلَيْهِمْ دَابِئَةُ السُّوءِ ۚ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ
مَصِيرًا ﴿٦﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾

آیه ۴: بعد از ذکر آثار و برکات این فتح المبين برای مؤمنان است.

آیه ۷: بعد از ذکر آثار سوء آن برای منافقان و مشرکان است.

مؤمنان بدانند که خدا می داند و به احوال آنها آگاه است و سنجیده عمل می کند.

و منافقین و مشرکین هم بدانند که خدا شکست نمی خورد و سنجیده عمل می کند.

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیات ۸ و ۹

تقویت جایگاه رسول خدا و وظائف مردم در برابر او

گفتیم صلح حدیبیه از سوی بعضی از ناآگاهان شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت، و حتی تعبیراتی که خالی از بی حرمتی نسبت به پیامبر ﷺ نبود در برابر حضرت کردند، مجموع این حوادث ایجاب می کرد که موقعیت یا عظمت پیامبر ﷺ بار دیگر مورد تاکید قرار گیرد.

و این آیات نازل شد ...

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

همانا ما فرستادیم تو را گواه و بشارت دهنده و بیم دهنده ﴿٨﴾ برای اینکه ایمان آورید به خدا و رسولش

وَتُعْزِرُوهُ وَتُقِرُّوهُ وَتُسَبِّحُوهُ وَأَصِيلًا ﴿٩﴾ بَكْرَةَ

و تقویت کنید او را و تکریم کنید او را و تسبیح گوید او را و شامگاهان بامدادان

از ماده توقیر از ریشه وقر به معنی سنگینی است، بنابراین توقیر در اینجا به معنی تعظیم و بزرگداشت است.

از ماده تعزیر در اصل به معنی منع است، سپس به هر گونه دفاع و نصرت و یاری کردن در مقابل دشمنان اطلاق شده است.

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۱۰

بیعت رضوان

همانگونه که گفتیم طبق تواریخ مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال خوابی که دیده بود همراه با ۱۴۰۰ نفر به قصد انجام عمره از مدینه خارج شد، ولی در نزدیکی مکه مشرکان تصمیم گرفتند که از ورود او و یارانش به مکه جلوگیری کنند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یارانش در سرزمین حدیبیه توقف فرمود، و سفیرانی میان او و قریش رد و بدل شد، تا به قرار داد صلح حدیبیه انجامید.

در این مأموریت ها یک بار عثمان از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مامور شد که این پیام را به اهل مکه برساند که **او به قصد جنگ نیامده، و تنها قصدش زیارت خانه خدا است**، ولی مشرکان عثمان را موقتاً توقیف کردند، و همین امر سبب شد که در میان مسلمانان خبر قتل او شایع گردد، و اگر چنین چیزی صحت می داشت دلیل بر اعلان جنگ قریش بود، لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **ما از اینجا حرکت نمی کنیم تا با این قوم پیکار کنیم**، و برای تاکید بر این امر مهم از مردم دعوت کرد تا با او تجدید بیعت کنند، مسلمانان در زیر درختی که آنجا بود جمع شدند و با حضرتش بیعت کردند که هرگز پشت به میدان نکنند و تا آنجا که در توان دارند در قلع و قمع دشمن بکوشند.

این موضوع به گوش مشرکان مکه رسید و رعب و وحشتی در قلوب آنها افکند و همین امر سبب شد که آنها به این صلح ناخوشایند تن در دهند.

این بیعت را از این جهت **بیعت رضوان** می‌نامند که در آیه ۱۸ همین سوره آمده است:

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

خدا از مؤمنان راضی شد هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند.

و این آیه دهم نیز اشاره به بیعت رضوان دارد ...

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ^ص

وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾

این تعبیر کنایه از آن است که بیعت با پیامبر خدا ﷺ يك بیعت الهی است، گویا دست خدا بالای دست آنها قرار گرفته، نه تنها با پیامبرش که با خدا بیعت می کنند، و این گونه کنایات در زبان عرب بسیار معمول است.

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

همانا کسانی که بیعت می کنند با تو حقیقتاً بیعت می کنند با خدا. دست خدا بالای دستشان است.

فَمَنْ يَكُفِّرْ بِنَفْسِهِ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ

پس هرکس پس هرکس پیمان شکنی کند پس حقیقتاً پیمان شکنی می کند بر ضرر خودش

وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَنَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا

و هرکس که وفا کند به آنچه پیمان بسته است بر آن با خدا به زودی (خداوند) می دهد به آن پاداشی بزرگ



مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیات ۱۱ الی ۱۴

عذر تراشی افراد ضعیف الایمان

در آیات قبل گفتیم پیامبر اکرم ﷺ با ۱۴۰۰ نفر از مسلمانان از مدینه به قصد عمره به سوی مکه حرکت کرد.

و از سویی پیامبر اکرم ﷺ در میان قبائل بادیه‌نشین اعلام شد که همه آنها نیز او را در این سفر همراهی کنند، ولی گروهی از افراد ضعیف الایمان از انجام این دستور سر باز زدند، و تحلیلشان این بود که چگونه ممکن است مسلمانان از این سفر جان سالم به در برند، در حالی که قبلاً کفار قریش حالت تهاجمی داشته، و جنگهای احد و احزاب را در کنار مدینه بر مسلمانان تحمیل کردند، اکنون که این گروه اندک و بدون سلاح با پای خود به مکه می‌روند، و در کنار لانه زنبوران قرار می‌گیرند چگونه ممکن است به خانه‌های خود باز گردند؟! اما هنگامی که دیدند مسلمانان با دست پر و امتیازات قابل ملاحظه‌ای که از پیمان صلح حدیبیه گرفته بودند سالم به سوی مدینه بازگشتند بی آنکه از دماغ کسی خون بریزد، به اشتباه بزرگ خود پی بردند، و خدمت پیامبر آمدند تا به نحوی عذر خواهی کرده، و کار خود را توجیه کنند، و از پیامبر تقاضای استغفار نمایند.

ولی آیات فوق نازل گشت و پرده از روی کار آنها برداشت و آنها را رسوا نمود.

به این ترتیب بعد از ذکر سرنوشت منافقان و مشرکان در آیات قبل، در اینجا وضع متخلفان ضعیف الایمان را بازگو می‌کند، تا حلقات این بحث تکمیل گردد.

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا
يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا
إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا

به زودی می گویند به تو متخلفان (از همراهی با رسول) از بادیه نشینان: مشغول کرد ما را اموال ما و خانواده های ما

فَأَسْتَغْفِرُ لَنَا قُلُوبِهِمْ قَالُوا بَلْ لَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيْنَا

پس طلب آمرزش کن برای ما می گویند با زبان هایشان آنچه نیست در دل هایشان

قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا

بگو پس چه کسی قادر است برای شما از جانب خدا چیزی را اگر اراده کند (خدا) برای شما ضرری را

أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

یا اراده کند برای شما سودی را بلکه می باشد خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه

قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا

یعنی:

برای خدا به هیچ وجه مشکل نیست که شما را در خانه‌های امتنان و در کنار زن و فرزند و اموالتان، گرفتار انواع بلاها و مصائب کند، و نیز برای او هیچ مشکل نیست که در مرکز دشمنان و کانون مخالفان، شما را از هر گونه گزند محفوظ دارد، این جهل شما به قدرت خدا است که این گونه افکار را در نظر شما زینت می‌دهد.

بَلْ كَانِ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

یعنی:

بلکه از اسرار درون سینه‌ها و نیات شما نیز به خوبی با خبر است، او به خوبی می‌داند که این عذر و بهانه‌ها واقعیت ندارد آنچه واقعیت دارد شک و تردید و ترس و ضعف ایمان شما است، و این عذر تراشیها بر خدا مخفی نمی‌ماند، و هرگز مانع مجازات شما نمی‌شود.

سپس برای توضیح بیشتر از حال این افراد ضعیف الایمان پرده‌ها را کاملا کنار زده می‌افزاید و می‌فرماید....

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا

وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنًّا سَوًّا وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا

بلکه گمان کردید اینکه هرگز بر نمی‌گردد پیامبر و مؤمنین به خانواده شان ابداً

وَزِينًا لِّزَيْنِ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنًّا سَوِيًّا وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾

و زینت داده شد آن در دل های شما و گمان بردید گمانی بد و شدید گروهی هلاک شده ﴿١٢﴾

چه هلاکت از این بدتر که از شرکت در این سفر تاریخی، و بیعت رضوان و افتخارات دیگر محروم شدید، و به دنبال آن رسوایی بزرگ بود، و در آینده عذاب دردناک آخرت است. آری شما دلهای مرده‌ای داشتید که گرفتار چنین سرنوشتی شدید.

اصلاح نظام محاسباتی

از آنجا که افراد ضعیف الایمان یا منافق، مردمی ترسو، و راحت طلب، و طبعاً از جنگ و هر گونه درگیری گریزانند، تحلیلی که درباره حوادث می کنند هیچگونه با واقعیت تطبیق نمی کند، با این حال همیشه در نظرشان بسیار جالب است. و به این ترتیب ترس و عافیت طلبی و فرار از زیر بار مسئولیتها، **سوء ظننها را** در نظرشان **واقعیتها جلوه می دهد**، و نسبت به همه چیز بد بین هستند حتی به پیامبر خدا و حتی نسبت به خدا!

پس اگر نظام محاسباتی خود را اصلاح نکنیم، محکوم به هلاکت هستیم....

واز آنجایی که این موضعگیری های غلط، گاه از **عدم ایمان سرچشمه می گرفت** خداوند متعال در آیه بعد می فرماید...

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾

وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾

و هر کس ایمان نیاورد به خدا و پیامبرش همانا ما آماده کرده ایم برای کافرین آتش سوزان ﴿١٣﴾

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ﴿١٤﴾

و برای خداست فروانروایی آسمان ها و زمین می آمرزد هر کس را که می خواهد و عذاب می کند هر کس را که می خواهد

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٤﴾

و می باشد خداوند آمرزنده مهربان ﴿١٤﴾

و سرانجام در این آیه برای اثبات قدرت خداوند بر مجازات کافران و منافقان می فرماید...

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۱۵

مفت خوران

غالب مفسران معتقدند که این آیات ناظر به فتح خیبر است که بعد از صلح حدیبیه و در آغاز سال هفتم هجرت روی داد.

توضیح اینک: طبق روایات هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حدیبیه باز می‌گشت به فرمان خدا مسلمانان شرکت کننده در حدیبیه را بشارت به فتح خیبر داد و تصریح فرمود که در این پیکار فقط آنها شرکت کنند، و غنائم جنگی مخصوص آنها است، و تخلف کنندگان را نصیبی از این غنائم نخواهد بود! اما این دنیا پرستان ترسو همین که از قرائن فهمیدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این جنگی که در پیش دارد قطعا پیروز می‌شود و غنائم فراوانی به دست سپاه اسلام خواهد افتاد، از فرصت استفاده کرده، خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند، و اجازه شرکت در میدان خیبر خواستند! و شاید به این عذر نیز متوسل شدند که ما برای جبران خطای گذشته، و سبک کردن بار مسئولیت، و توبه از گناه، و خدمت خالصانه به اسلام و قرآن، می‌خواهیم در این میدان جهاد با شما شرکت کنیم! غافل از اینکه آیات قرآن از قبل نازل شده بود، و سر آنها را فاش ساخته بود....

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِتَأْخُذُوا ذُرُوعًا وَنَبَعَكُمُ

يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُل لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ

فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا

به زودی می گویند متخلفان (از همراهی با رسول) زمانی که حرکت کنید به سوی غنیمت ها تا بگیرید آن را :

ذُرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

رها کنید ما را تا همراهیتان کنیم می خواهند اینکه تغییر دهند خدا را سخن

قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا قَالُوا اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ

بگو هرگز همراهیمان نخواهید کرد این چنین گفت خداوند از قبل پس به زودی می گویند :

بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

(این چنین نیست) بلکه شما به ما حسادت می کنید (این چنین نیست) بلکه نمی فهمند جز مقدار کمی

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۱۶

پیشنهادی برای جبران...

در آیه قبل بیان شد: آنهایی که از همراهی با رسول خدا به سوی مکه خوداری کرده بودند، از حضور در جنگ خیبر و غنائم آن محروم شدند، و این غنائم به فرمان خدا فقط مخصوص افرادی بود که در صلح حدیبیه و بیعت رضوان حضور داشتند. ولی ادعای آنها این بود که **شما بر ما حسادت می کنید، ما می خواهیم جبران کنیم ولی شما نمی گذارید.** در حالی که اینها به طمع غنائم می خواستند در این جنگ شرکت کنند نه برای جبران گذشته...

حال خداوند برای جبران به این افراد پیشنهادی می دهد ...

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدَّعُونَ إِلَى قَوْمِ أُولَىٰ بِأْسٍ شَدِيدٍ

تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَامُونَ ^ص فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا ^ص

وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾

با توجه به اینکه در عصر پیامبر ﷺ بعد از ماجرای حدیبیه و خیبر، غزوه مهمی با مشرکان جز فتح مکه و غزوه حنین وجود نداشت، آیه فوق می‌تواند اشاره به آنها باشد، **مخصوصاً غزوه حنین** که مردان جنگجوی سخت‌کوشی از طایفه **هوازن** در آن شرکت داشتند.

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ

بگو به متخلفان (از همراهی با رسول) از بادیه نشینان: بزودی دعوت می‌شوید به سوی قومی صاحب نیروی زیاد

تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا

می‌جنگید با آنان یا اسلام می‌آورند پس اگر اطاعت کنید اعطاء می‌کند به شما خداوند مزدی نیکو

وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

و اگر رو برگردانید مانند رو برگرداندنتان قبلاً (خداوند) عذاب می‌کند شما را عذابی دردناک

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۱۷

افراد معذور

در آیات قبل برخورد شدیدی با متخلفان شد، اما از آنجا که در میان متخلفان افرادی بودند که به خاطر نقص عضو یا بیماری به راستی قدرت بر شرکت در جهاد نداشتند، و نباید حق آنها در این میان نادیده گرفته شود، در این آیه سخن از معذور بودن آنان مطرح می شود ...

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ
وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ ^{قَالَ} حَرَجٌ
 نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 و هر کس که اطاعت کند از خدا و فرستاده اش داخل می کند او را در باغ هایی که جاری است از زیر آن رودهایی

وَمَنْ يَتَوَلَّ يَتَوَلَّ رُءُوسَ السَّمَاوَاتِ يَتَوَلَّ رُءُوسَ السَّمَاوَاتِ
 و هر کس که روی برگرداند عذاب می کند آن را عذاباً
 أَلِيمًا ^{١٧} دردناک ^{١٧}

آیا این افراد، هیچ تکلیفی ندارند؟!

این گروه گر چه از شرکت در میدان جهاد معافند اما آنها نیز باید به مقدار توان خود برای تقویت قوای اسلام و پیشبرد اهداف الهی آن بکوشند، چنان که در آیه ۹۱ سوره توبه می خوانیم:

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ

بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله‌ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند گناهی نیست

(که در میدان حاضر نشوند) به شرط اینکه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند.

یعنی اگر آنها قادر نیستند با دست کاری انجام دهند از آنچه در توان دارند با زبان مضایقه ننمایند، و این تعبیر جالبی است که نشان

می دهد هر کس آنچه را در توان دارد باید فروگذار نکند، و به تعبیر دیگر اگر نمی توانند در جبهه شرکت کنند لا اقل پشت جبهه را

محکم نگهدارند. و شاید جمله اخیر آیه مورد بحث نیز اشاره به همین معنی باشد که می فرماید: **وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ ...**

نکته مهم

این نکته قابل توجه است که مسأله معذور بودن نابینا و لنگ و بیماران سخت مخصوص جهاد است، اما در مسأله دفاع هر کس به قدر توانایی خود باید از کیان اسلام و وطن اسلامی و جان دفاع کند و هیچ استثنایی در این زمینه وجود ندارد.



مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیات ۱۸ و ۱۹

خشنودی خدا از شرک کنندگان در بیعت رضوان

گفتیم در ماجرای حدیبیه سُفْرایی میان پیامبر اکرم ﷺ و قریش رد و بدل شد، از جمله پیامبر اکرم ﷺ عثمان را (که از بستگان ابوسفیان بود و این رابطه، ظاهراً در انتخاب او تاثیر داشت) به عنوان نماینده نزد مشرکان مکه و اشراف قریش فرستاد تا آنها را از این حقیقت آگاه کند که مسلمانان به قصد جنگ نیامده‌اند بلکه هدفشان زیارت خانه خدا و احترام کعبه است، اما قریش عثمان را موقتاً توقیف کردند، و به دنبال آن در بین مسلمانان شایعه شد که عثمان کشته شده، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: من از اینجا حرکت نمی‌کنم تا با این گروه پیکار کنم.

سپس به زیر درختی که در آنجا بود آمد، و با مردم تجدید بیعت کرد، و از آنها خواست که در پیکار با مشرکان کوتاهی نکنند، و کسی پشت به میدان جهاد نکند.

آوازه این بیعت در مکه پیچید و قریش سخت به وحشت افتادند و عثمان را آزاد کردند.

و این بیعت به عنوان بیعت رضوان (بیعت خشنودی خداوند) معروف شد، و لرزه بر اندام مشرکان انداخت و نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود.

آیات مورد بحث درباره این ماجرا سخن می‌گوید...

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

به راستی راضی شد خداوند از مؤمنین وقتی که بیعت می کردند با تو زیر آن درخت

فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ

پس دانست آنچه را در دل های آنان بود (از صداقت، ایمان و وفاداری) پس فرستاد آرامش را بر آنان

وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا

پاداش داد به آنان پیروزی نزدیکی را (فتح خیبر) و غنیمت های فراوانی که می گیرند آن را (همه غنائم)

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

۱۹

۱۹

و می باشد شکست ناپذیر حکیم (سنجیده کار)

هدف از این بیعت چه بود؟

هدف از این بیعت

انسجام هر چه بیشتر نیروها،

تقویت روحیه،

تجدید آمادگی رزمی،

سنجش افکار،

و آزمودن میزان فداکاری دوستان وفادار بود.

فتح خیبر، پاداش الهی بیعت رضوان بود ...

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیات ۲۰ و ۲۱

ادامه برکات بیعت رضوان

در این آیات نیز خداوند متعال به ادامه برکات بیعت رضوان و این اتحاد و همبستگی اشاره می کند ...

وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ
عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٤٠﴾ وَأُخْرَى لَمْ
تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٤١﴾

غنائم خبیر

وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ

وعده داده است به شما خدا غنیمت های فراوانی را که می گیرید آن را پس شتاب کرد (خدا) برای شما در این (غنیمت)

وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ

و بازداشت (خدا) دست های مردم را از شما، و برای اینکه باشد نشانه ای برای همه مؤمنان و هدایت کند شما را

صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ۝ وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا

به راهی راست ۝ و (غنیمت های) دیگری (نیز هست) که (هنوز) دست نیافته اید بر آنها،

قَدِيراً ۝ شَيْءٍ كُلِّ عَلَىٰ لِلَّهِ وَكَانَ بِهَا ۝ اللَّهُ أَحَاطَ قَطْعًا
توانا چیزی هر بر خدا و می باشد بر آنها خدا احاطه دارد قطعاً

وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

خدا به واسطه بیعت رضوان، دست دشمنان را از شما کوتاه کرد.

وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

فتح خیرها را خدا در سایه بیعت رضوان ها رقم می زند...

ماجرای فتح خیبر

هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از حدیبیه بازگشت تمام ماه ذی الحجه، و مقداری از محرم سال هفتم هجری را در مدینه توقف فرمود، و از آنجایی که با صلح حدیبیه، پیمان متارکه جنگ با مشرکین مکه به مدت ۱۰ سال بسته شده بود، خیال ایشان از توطئه دشمنان از سمت جنوب مدینه جمع شده بود. و این فرصت مناسبی بود که ضربه کاری به یهودیانی که در شمال مدینه در منطقه خیبر (در فاصله تقریبی ۱۶۵ کیلومتری) حضور داشتند زده شود (جایی که کانون تحریکات ضد اسلامی بود، و نقش مهمی در تحریک و ساماندهی جنگ احزاب علیه مسلمانان را داشتند) و اینجا بود که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با ۱۴۰۰ نفر از یارانش که در حدیبیه شرکت کرده بودند به سوی خیبر حرکت کرد.

هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به نزدیک قلعه‌های خیبر رسید، به یارانش دستور داد توقف کنید، سپس سر به آسمان بلند کرد و این دعا را خواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَمَا أَظْلَلْنَ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقْلَلْنَ... نَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ، وَخَيْرَ أَهْلِهَا، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا، وَشَرِّ مَا فِيهَا

خداوند! ای پروردگار آسمانها و آنچه بر آن سایه افکنده‌اند، و ای پروردگار زمینها و آنچه بر خود حمل کرده‌اند ...

از تو خیر این آبادی و خیر اهل آن را می‌خواهیم، و به تو از شر آن و شر اهلیش، و شر آنچه در آن است پناه می‌بریم.

سپس فرمود: **بِسْمِ اللَّهِ** حرکت کنید، و به این ترتیب شبانه به کنار خیبر رسیدند، و صبحگاهان که اهل خیبر از ماجرا با خبر شدند خود را در محاصره سربازان اسلام دیدند، سپس پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قلعه‌ها را یکی بعد از دیگری فتح کرد، تا به آخرین قلعه‌ها که از همه محکمتر بود و فرمانده معروف یهود **مرحب** در آن قرار داشت، رسید.

در این ایام حالت سر درد شدیدی که گهگاه به سراغ پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌آمد به او دست داد، به گونه‌ای که یکی دو روز نتوانست از خیمه بیرون آید، در این هنگام (طبق تواریخ معروف اسلامی) **ابوبکر** پرچم را به دست گرفت و با مسلمانان به سوی لشکر یهود تاخت، اما بی آنکه نتیجه بگیرد بازگشت، بار دیگر **عمر** پرچم را به دست گرفت و مسلمانان شدیدتر از روز قبل جنگیدند ولی بدون گرفتن نتیجه بازگشتند. این خبر به گوش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید فرمود:

أَمَا وَاللَّهِ لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ، يَأْخُذُهَا عَنَوَةً

به خدا سوگند فردا پرچم را به دست مردی می‌سپارم که او خدا و پیامبرش را دوست دارد،

و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند، و او قلعه را با قدرت فتح خواهد نمود.

گردن‌ها از هر سو کشیده شد که منظور چه کسی است؟ جمعی حدس می‌زدند که منظور پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ **علی** علیه السلام است ولی علی علیه السلام هنوز در آنجا حضور نداشت، چرا که چشم درد شدیدی او را از حضور در لشکر مانع شده بود، اما صبحگاهان علی علیه السلام سوار بر شتری وارد شد، و نزدیک خیمه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیاده گشت، در حالی که چشمانش شدیداً درد می‌کرد.

پیامبر ﷺ فرمود: نزدیک بیا! نزدیک رفت، از آب دهان مبارکش بر چشم علی علیه السلام مالید، و چشمش به برکت این اعجاز کاملاً سالم شد، سپس پرچم را به دست او داد.

علی علیه السلام با لشکر اسلام به سوی قلعه بزرگ خیبر حرکت کرد، مردی از یهود از بالای دیوار سؤال کرد تو کیستی؟ فرمود: **من علی بن ابی طالبم** یهودی فریاد کشید ای جماعت یهود شکستتان فرا رسید! در این هنگام **مرحب** یهودی فرمانده آن دژ به میدان مبارزه علی علیه السلام آمد و چیزی نگذشت که با یک ضربت کاری بر زمین افتاد.

جنگ شدیدی میان مسلمانان و یهودیان در گرفت؛ علی علیه السلام نزدیک درب قلعه آمد، و با حرکتی نیرومند و پر قدرت در را از جا بر کند و به کناری افکند، به این ترتیب قلعه گشوده شد، و مسلمانان وارد شدند آن را فتح کردند.

یهود تسلیم شدند و از پیامبر خواستند در برابر این تسلیم خون آنها محفوظ باشد، پیامبر ﷺ پذیرفت، غنائم منقول به دست سپاه اسلام افتاد، و اراضی و باغهای آنجا را به دست یهود سپرد، مشروط به اینکه نیمی از درآمد آن را به مسلمین بپردازند.

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیات ۲۲ الى ۲۴

اگر در حدیبیه جنگی روی می داد ...

این آیات هم چنان خداوند متعال ابعاد دیگری از ماجرای عظیم حدیبیه را بازگو می کند،
و به **یک نکته مهم** در این رابطه اشاره می کند.

تصور نکنید اگر در سرزمین حدیبیه درگیری میان شما و مشرکان مکه رخ می داد، مشرکان برنده جنگ می شدند، **چنین نیست ...**

وَلَوْ قَتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَايًا وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ^ص وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ

و اگر (در حدیبیه) می جنگیدند با شما کسانی که کافر شدند حتماً می گریختند به پشت (سرشان) آنگاه نمی یافتند

وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ

سرپرستی و نه یابوری را ﴿٢٢﴾ سنت (و روش) خداست که (جاری بوده و) گذشته است از قبل،

وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾

و هرگز نیابی برای سنت خدا تغییری را ﴿٢٣﴾

سنت الهی

این یک قانون همیشگی الهی است که اگر مؤمنان در امر جهاد ضعف و سستی نشان ندهند، و با قلبی پاک و نیتی خالص به مبارزه با دشمنان برخیزند، خدا آنها را پیروز می‌کند، ممکن است گاهی در این امر به منظور امتحان یا اهداف دیگری دیر و زودی باشد، اما قطعاً پیروزی نهایی با آنها است.

اما در مواردی همچون **میدان احد** که جمعی از فرمان پیامبر خدا ﷺ سرپیچی کردند و گروهی نیات خود را آلوده به عشق دنیا ساختند و به جمع غنائم پرداختند، سرانجام شکست تلخی دامانشان را گرفت، و بعداً نیز چنین است.

نکته مهمی را که این آیات تعقیب می‌کند این است که: **قریش نشینند و بگویند افسوس که ما قیام نکردیم و این گروه اندک را در هم نکوبیدیم، افسوس که صید به خانه آمد و از آن غفلت کردیم، افسوس و افسوس! ابداً چنین نیست،** گرچه مسلمانان نسبت به آنها اندک بودند، و دور از وطن و فاقد سلاح کافی، ولی با اینحال اگر درگیری واقع شده بود باز هم به برکت نیروی ایمان و نصرت الهی پیروزی از آن آنها بود، مگر در **بدر** یا در **احزاب** نفرات آنها کمتر و تجهیزات دشمن بیشتر نبود؟ چگونه در هر دو مورد شکست دامان دشمن را گرفت.

به هر حال بیان این واقعیت مایه تقویت روحیه مؤمنان، و تضعیف روحیه دشمنان، و پایان دادن به **اگر** و **مگر** منافقان بود، و نشان داد که حتی در شرایط نابرابر از نظر ظاهر، اگر پیکاری رخ دهد پیروزی از آن مؤمنان خالص است.

خدا بود که شما را پیروز کرد ...

واقعاً این فتح مبین کار خدا بود ...

چطور می شود شما با گروهی دشمنی داشته باشید، با دست خالی به سوی آنها روید، ولی آنها نه تنها کمترین تعرضی به شما نکنند، بلکه مرعوب شما شوند و امتیاز هم به شما دهند ...

این کار خداست....

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ

بِطَّنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾

وَهُوَ

و اوست

الَّذِي

کسی که

كَفَّ

بازداشت

أَيْدِيَهُمْ

دست های آنان را

عَنْكُمْ

از شما

وَأَيْدِيَكُمْ

و دست های شما را

عَنْهُمْ

از آنان

بِطَّنِ

در دل

مَكَّةَ

مکه (حدیبیه)

مِنْ بَعْدِ

پس از

أَنَّ

آنکه

أَضْفَرَكُمْ

پیروز کرد شما را

عَلَيْهِمْ

بر آنان، (به واسطه صلح حدیبیه)

وَكَانَ

و می باشد

اللَّهُ

خدا

بِمَا

به آنچه

تَعْمَلُونَ

می کنید

بَصِيرًا

بینا

۲۴

۲۴

شما پای اصول الهی بایستید و متحد باشید، خدا می بیند و پیروزی ها را رغم می زند.

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۲۵

فقط برای حفظ جان بی گناهان ...

در آیات قبل گذشت که اگر درگیری بین شما و مشرکین مکه صورت می گرفت، شما پیروز بودید؛ ولی خداوند مانع این درگیری شد...

و در این آیه اشاره به فلسفه کَفَّ... وَأَيَّدِكُمْ عَنْهُمْ می کند.

چرا خداوند نگذاشت این جهاد از طرف شما صورت گیرد؟

زیرا گروهی از مردان و زنان مسلمان که به اسلام پیوسته بودند ولی به علی قادر به مهاجرت نشده، و در مکه مانده بودند. اگر مسلمانان به مکه حمله می کردند جان این گروه از مسلمانان مستضعف مکه به خطر می افتاد، و زبان مشرکان باز می شد، و می گفتند لشکر اسلام نه بر مخالفان خود رحم می کند و نه حتی به پیروان و موافقان، و این عیب و عار بزرگی بود که ناآگاهانه دامن شما را می گرفت...

و اگر این گروه جدا بودند، قطعاً خداوند کفار را عذابی دردناک می کرد...

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدَىٰ مَعَكُوفًا أَنْ

يَبْلُغَ مَحِلَّهُ^ج وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمَّ تَعَلَّمُوهُمُ أَنْ تَطَّوَّهُمْ

فَتُصِيبَكُم مِّنْهُمْ مَّعْرَةٌ^م بغير علمٍ^ص لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا

لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدَىٰ مَعَكُوفًا

آنان کسانی اند که کافر شدند و بازداشتند شما را از مسجد الحرام و شتران قربانی در حالی که باز داشته شده

أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ^ج وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ

که برسند به محل خود (قربانگاه)، و اگر نبودند مردانی مؤمن و زنانی مؤمنه که نمی شناختید آنان را

أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِبَكُم مِّنْهُمْ مَّعْرَةٌ^م بغير علمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ

و (با هجوم به مکه) پایمال می کردید آنان را پس می رسید به شما از آنان عیبی نا آگاهانه (با آنان می جنگیدند، ولی چنین نشد) تا داخل کند خدا در رحمت خود

مَنْ يَشَاءُ^ج لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾

هر که را بخواهد و اگر (مؤمنان و کافران) جدا می بودند قطعاً عذاب می کردیم کسانی را که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک ﴿٢٥﴾

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۲۶

صحنه دیگری از صلح حدیبیه

در این آیات خداوند متعال اشاره به این مطلب دارد که:

عرب جاهلی برای خانه خدا حرمت خاصی قائل بود و در حرم امن الهی ولو قاتل پدر او به حج می آمد به او تعرضی نمی کرد ولی این مشرکین مکه، از ورود پیامبر خدا ﷺ به حرم امن الهی ممانعت کرد و خشم و عصبانیتی که از قبل، در دلشان قرار داده بودند (نسبت به جنگ های قبلی) موجب این کارشان شد.

نتیجه این برخورد قاعده‌باید خشم و عصبانیت متقابلی برای مسلمانان به وجود می آورد و موجب درگیری می شد، ولی خداوند متعال آرامشی را بر قلب پیامبرش و مؤمنین نازل کرد و روحیه تقوا و خویشتن داری را به آنها داد تا این مسأله در کمال آرامش پایان پذیرد و موجب فتح مبین شود ...

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ

سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى

وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ

(یاد بیاورید) زمانی را که نهادند کسانی که کافر شدند در دل های خود خشم و عصبانیت را (همان) خشم و عصبانیت جاهلی،

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

پس فرود آورد خدا آرامش خود را بر فرستاده اش و بر مؤمنان

وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا

و همراه کرد با آنان روحیه تقوا را و بودند سزاوار به آن و اهل آن،

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

و می باشد خدا به هر چیزی دانا

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۲۷

رؤیای صادقانه پیامبر اکرم ﷺ

این آیه نیز فراز دیگری از فرازهای مهم داستان حدیبیه را ترسیم می‌کند، ماجرا این بود:

پیامبر اکرم ﷺ در مدینه خوابی دید که به اتفاق یارانش برای انجام مناسک عمره وارد مکه می‌شوند، و این خواب را برای یاران بیان کرد، همگی شاد و خوشحال شدند، اما چون جمعی تصور می‌کردند تعبیر و تحقق این خواب در همان سال واقع خواهد شد، هنگامی که مشرکان راه ورود به مکه را در حدیبیه به روی آنها بستند، **گرفتار شک و تردید شدند**، که مگر رؤیای پیامبر هم ممکن است نادرست از آب در آید؟ مگر بنا نبود ما به زیارت خانه خدا مشرف شویم؟ پس چه شد این وعده؟ و کجا رفت آن خواب رحمانی؟! پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ این سؤال فرمود: **مگر من به شما گفتم این رؤیا همین امسال تحقق خواهد یافت؟**

آیه فوق در همین رابطه در طریق بازگشت به مدینه نازل شد و تأکید کرد که این رؤیای صادقانه بوده و چنین مسأله حتمی و قطعی و انجام شدنی است...

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرَّءِيَا بِالْحَقِّ

همانا راست گردانید خدا برای فرستاده اش آن خواب را به درستی،

لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَأَمِينٍ

که حتماً وارد می شوید به مسجد الحرام اگر بخواید خدا با امنیت،

مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ

(در حالی که) سر تراشنده و موی کوتاه کننده اید بی آنکه بترسید،

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ قَرِيبًا

پس می دانست آنچه را نمی دانستید پس قرار داد پیش از آن (ورود به مسجد الحرام) پیروزی نزدیکی را

فتح خیبر

۲۷

۲۷

عمرة القضاء

عمرة القضاء همان عمره‌ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سال بعد از حدیبیه، یعنی در **ذی القعدة سال هفتم هجرت** (درست يك سال بعد از آنکه مشرکان آنها را از ورود به مسجد الحرام بازداشتند) به اتفاق یارانش انجام داد، و نامگذاری آن به این نام به خاطر آن است که در حقیقت قضای سال قبل محسوب می‌شد.

توضیح اینک: طبق یکی از مواد قرار داد حدیبیه، برنامه این بود که مسلمانان در سال آینده مراسم عمره و زیارت خانه خدا را آزادانه انجام دهند، ولی بیش از سه روز در مکه توقف نکنند، و در این مدت سران قریش و مشرکان سرشناس مکه از شهر خارج شوند (تا هم از درگیری احتمالی پرهیز شود، و هم آنها که به خاطر کینه‌توزی و تعصب یارای دیدن منظره عبادت توحیدی مسلمانان را نداشتند آن را نبینند!).

در بعضی از تواریخ آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یارانش محرم شدند، و با شترهای قربانی حرکت کردند، و تا نزدیکی **ظهران** رسیدند، در این هنگام پیامبر یکی از یارانش را به نام **محمد بن مسلمه** با مقدار قابل ملاحظه اسبهای سواری، و اسلحه پیشاپیش خود فرستاد، هنگامی که مشرکان این برنامه را ملاحظه کردند شدیداً ترسیدند، و گمان کردند که حضرت صلی الله علیه و آله می‌خواهد با آنها نبرد کند و قرار داد ده‌ساله خود را نقض نماید، این خبر را به اهل مکه دادند،

اما هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ نزدیک مکه رسید، دستور داد تیرها و نیزه و سلاحهای دیگر را به منطقه ای قبل از مکه منتقل سازند، و خود و یارانش تنها با شمشیر، آنهم غلاف کرده وارد مکه شدند.

اهل مکه هنگامی که این عمل را دیدند خوشحال شدند که به وعده وفا شده (گویا اقدام پیغمبر هشداری بود برای مشرکان که اگر بخواهند نقض عهد کنند و توطئه‌ای بر ضد مسلمانان بچینند آنها قدرت مقابله با آن را دارند).

رؤسای مکه از مکه خارج شدند تا این مناظر را که برای آنها دلخراش بود نبینند، ولی بقیه اهل مکه از مردان و زنان و کودکان در مسیر راه، و در پشت بامها، و در اطراف خانه خدا جمع شده بودند تا مسلمانان و مراسم عمره آنها را ببینند. پیامبر اکرم ﷺ با ابهت خاصی وارد مکه شد، و شتران قربانی فراوانی همراه داشت، با نهایت محبت و ادب با اهل مکه رفتار کرد، و دستور داد مسلمانان به هنگام طواف با سرعت حرکت کنند و احرامی را کمی کنار بزنند، تا شانه‌های نیرومند آنها آشکار گردد، و این صحنه در روح و فکر مردم مکه به عنوان دلیل زنده‌ای از قدرت و قوت و رشادت مسلمانان اثر گذارد.

روی هم رفته عمرة القضاء هم **عبادت** بود، و هم **نمایش قدرت**، و باید گفت که **بذر فتح مکه** که در سال بعد روی داد در همان ایام پاشیده شد، و زمینه را کاملاً برای تسلیم مکیان در برابر اسلام فراهم ساخت.

این وضع به قدری برای سران قریش ناگوار بود که پس از گذشتن سه روز کسی را فرستادند خدمت پیامبر اکرم ﷺ که طبق قرار داد باید هر چه زودتر مکه را ترک کنند.

جالب اینکه پیغمبر اکرم ﷺ زن بیوهای را از زنان مکه که با بعضی از سران معروف قریش خویشاوندی داشت به ازدواج خود در آورد تا طبق رسم عرب پیوند خود را با آنها مستحکم کرده و از عداوت و مخالفت آنها بکاهد.

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ پیشنهاد خروج از مکه را شنید فرمود: **من مایلم برای مراسم این ازدواج غذایی تهیه کنم، و از شما دعوت نمایم.** کاری که اگر انجام می‌شد نقش مؤثری در نفوذ بیشتر پیامبر خدا ﷺ در قلوب آنها داشت، ولی آنها نپذیرفتند و این دعوت را رسماً رد کردند.

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۲۸

این تازه شروع کار است ...

طبق آیه قبل، اراده خداوند بر این بود که قبل از تحقق خواب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فتح قریبی و پیروزی نزدیکی (فتح خیبر) به دست مؤمنین رقم بخورد.

اما همه باید بدانند که این تازه شروع کار است و فتوحات دیگری در پیش است و اراده خداوند بر این است که پیامبری را که با هدایت و دین حق ارسال کرده است را بر همه دین ها چیره کند

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾

الْحَقِّ

حق

وَدِينِ

و دین

بِالْهُدَىٰ

با هدایت

رَسُولَهُ

فرستاده اش را

أَرْسَلَ

فرستاد

الَّذِي

کسی که

هُوَ

اوست

الَّذِينَ كُفَّوْا

هر دینی،

عَلَىٰ

بر

لِيُظْهِرَهُ

تا پیروز گرداند آن (دین) را

۲۸

شَهِيدًا

۲۸

گواه باشد

بِاللَّهِ

خدا

وَكَفَىٰ

و کافی است

مفاهيم

سوره مبارکه فتح

آیه ۲۹

بدانید که محمد ﷺ فرستاده خداست

ای مؤمنین ...

بعضی از شما امروز در سال ششم هجری به واسطه عدم تحقق خواب پیامبر خدا ﷺ، در رسالت او شک کرده اید. بدانید که این خواب تحقق پیدا می کند و قبل از آن نیز شما به فتح قریبی می رسید ولی این تازه شروع کار است قرار است این دین را خدا بر همه ادیان چیره کند ...

پس هیچ شکی به دل خود راه ندهید و بدانید که: محمد ﷺ فرستاده خداست. مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ

و به دنبال معیت و همراهی با فرستاده خدا باشید؛ که رمز پیروزی، در همراهی با رهبری جامعه اسلامی است.

به نظر می آید خداوند متعال در این سوره یک حرف دارد:

با رهبری جامعه اسلامی باشید، پیروزی ها را من خدا رقم می زدم ...

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ^ج وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ^ط تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ ^ط فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ^ج ذَلِكَ مَثَلُهُمْ
فِي التَّوْرَةِ ^ج وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى
عَلَى سُوْقِهِ يُعْجَبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ^ق

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٩﴾

مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

محمد فرستاده خداست و کسانی که با اویند سختگیرند بر کافران و مهربانند در میان خود،

تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا

می بینی آنان را رکوع کنان و سجده کنانی که می جویند بخششی از خدا و خشنودی ای را،

سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ

نشان آنان در چهره های شان از اثر سجده است، این است وصف آنان در تورات

وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ وَفَعَّازَهُ

و وصف آنان در انجیل، مانند زراعتی که بیرون آورد جوانه اش را و تقویت کرد آن را

فَأَسْتَغَاظَ فَأَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ

و محکم شد و آنگاه راست ایستاد بر ساقه خود (چنان که) به تعجب وا دارد کشاورزان را

لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ

تا به خشم آورد به وجود آنان کافران را، وعده داده است خدا به کسانی که ایمان آوردند و انجام دادند کارهای شایسته از ایشان

مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

آمرزش

و پاداشی

بزرگ را

۶۹

۶۹